

# فصل اول

## کلیات

## مقدمه

معنی‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی، در حوزه ادبیات عرب و قرآن و حدیث قلمرو نسبتاً گسترده‌ای دارد؛ زیرا فهم صحیح متون، به ویژه متون دینی، در گرو درک معانی کلمات به کار رفته در آن متون است. توجه به معانی دقیق الفاظ آنقدر اهمیت دارد که غفلت از آن موجب بدفهمی متن خواهد شد.

یکی از موضوعات مرتبط با دانش تفسیر، معنی‌شناسی است که ریشه‌شناسی و بافت‌شناسی دو رویکرد مهم آن محسوب می‌شوند. از این رو، مفسران با بهره‌مندی از این دانش، در تبیین آیات و کشف مقصود آن‌ها تلاش می‌کنند.

طبرسی از جمله مفسرانی است که در «تفسیر مجمع البیان»، برای رسیدن به معنای دقیق الفاظ به ریشه‌شناسی آن‌ها پرداخته و در مواردی، برای تبیین معنای واژه به قرائن، سیاق و مانند آن توجه کرده است.

از این رو، با بررسی میزان بهره‌مندی طبرسی از دانش معناشناسی در تفسیر آیات قرآن (جزء ۲۷ تفسیر مجمع البیان)، درصدد تبیین رابطه دانش تفسیر با معناشناسی برآمدیم و این پژوهش را در سه فصل دنبال کردیم:

در فصل اول، طبق روال پایان‌نامه‌ها، نخست کلیات تحقیق و واژگان کلیدی آن را بیان نمودیم و در ادامه، پس از اشاره به گزیده‌ای از زندگانی طبرسی، به معرفی «تفسیر مجمع البیان» پرداختیم. در فصل دوم، مبانی معناشناسی الفاظ در «تفسیر مجمع البیان» را مورد بررسی قرار دادیم. در بخش نخست، تحت عنوان ریشه‌شناسی، کیفیت پیدایش الفاظ و سیر تطور معانی الفاظ قرآن را تحت چهار عنوان قبض و بسط معانی الفاظ پیش از استعمال قرآنی و پس از استعمال قرآنی؛ قبض و بسط و تطور معانی الفاظ غیرمحسوس؛ قبض و بسط و تطور معانی الفاظ در سور مکی و مدنی؛ قبض و

بسط و تطور معانی الفاظ در سیر تاریخی نزول، به عنوان زیر مجموعه‌های معنی‌شناسی در زمانی مورد بررسی قرار دادیم و در ادامه به معنی‌شناسی ساختگرا، به عنوان روشی در معنی‌شناسی همزمانی پرداختیم.

و در بخش دوم، با عنوان بافت‌شناسی پس از واژه‌شناسی سیاق و معادل‌های آن، به اهمیت و جایگاه نقش سیاق و دلایل نیازمندی فهم کلام به بافت اشاره کردیم. در ادامه، با توجه به اینکه بافت به دو شاخه بافت زبانی و موقعیتی قابل تقسیم بود، مهم‌ترین شاخص‌های بافت موقعیتی را ذکر و در پایان کارکردهای بافت متنی و برون‌متنی را بیان نمودیم تا بتوانیم این مبانی را در جزء ۲۷ «مجمع البیان» دنبال کنیم.

فصل سوم این پژوهش را به تطبیق معناشناسی الفاظ قرآن در مجمع البیان اختصاص دادیم و در آن دو رویکرد ریشه‌شناسی و بافت‌شناسی را با ذکر نمونه‌هایی از جزء ۲۷ تفسیر مجمع البیان بیان کردیم.

## ۱-۱- پرسش پژوهش و تبیین آن

معناشناسی الفاظ قرآن از دیدگاه طبرسی چگونه است؟

معناشناسی الفاظ در فهم صحیح از اهمیت خاصی برخوردار بوده و غفلت از آن موجب بدفهمی متن خواهد شد. از جمله مهم‌ترین رویکردهای دانش معناشناسی، ریشه‌شناسی و بافت است. ریشه‌شناسی به چگونگی پیدایش لغت (وضع، اشتقاق، اقتباس ...) و تطوّر و تحوّل معانی الفاظ (قبض مفهومی، بسط مفهومی و...) توجه دارد و بافت به بررسی مراد گوینده با توجه به قراین لفظی (مقالی) و قراین معنوی (مقامی) می‌پردازد.

نخستین سطح در معناشناسی، شناخت معنای مفردات و واژگان آن است، اما باید توجه داشت که برخی الفاظ در روند تاریخی خود دچار تطور می‌شوند. متن قرآن کریم که به لغت عربی و در روزگاری معین نازل شده است، نیز بعضی کلمات آن در زمان نزول دارای مفاهیمی بوده که در طول

زمان مفاهیمی جدید را به خود گرفته است. بنابراین لازم است معنای واژه‌ها در عصر نزول مورد توجه قرار گیرد تا معانی که در اثر تطور پدید می‌آید، موجب لغزش نگردد. اما صرف بررسی لغت برای تعیین مقصود قرآن کافی نیست، چراکه معنای دقیق واژه، در بافت خود قابل توصیف خواهد بود و چنانچه بافت مشخص نشود، معنا به خوبی تبیین نمی‌گردد، زیرا بافت از مهم‌ترین قرائنی است که به مراد متکلم دلالت دارد.

معناشناسی یکی از دانش‌هایی است که به صورت مبنایی در علم تفسیر از آن استفاده می‌شود. طبرسی از جمله مفسرانی است که در «تفسیر مجمع البیان» از مباحث معناشناسی در شکل سنتی خود سود برده است که برخی از آن‌ها در دانش جدید سمانتیک قابل طرح و بررسی است. لذا با توجه به جایگاه این مباحث در جزء ۲۷ و تنوع واژگانی که در آن مشاهده نمودیم، به بررسی معناشناسانه الفاظ آن خواهیم پرداخت.

## ۱-۲- پرسش‌های پژوهش (پرسش‌های فرعی)

۱. طبرسی تا چه اندازه به مباحث ریشه‌شناسی الفاظ توجه داشته است؟
۲. در جزء ۲۷ «مجمع البیان» در تعیین معانی واژه‌ها، تا چه اندازه به بافت توجه داشته است؟

## ۱-۳- فرضیات پژوهش

۱. طبرسی ریشه‌شناسی را در فهم معانی واژگان به عنوان یک اصل قرار داده است.
۲. طبرسی در جزء ۲۷ «مجمع البیان»، با شناسایی قراین موجود و پرداختن به سیاق در تعیین معانی الفاظ قرآن، به بافت توجه داشته است.

## ۱-۴- اهداف پژوهش و ضرورت آن

### اهداف

۱. آشنایی با مباحث کلی معناشناسی به عنوان عاملی مؤثر در کشف و پرده‌برداری از مقصود قرآن

۲. شناساندن توانمندی‌های دانش معناشناسی در فهم آیات قرآن

۳. تبیین رابطه دانش تفسیر و معناشناسی با تاکید بر «تفسیر مجمع البیان»

## ضرورت

هر متنی بازتاب ایده‌ها و خواسته‌های پدیدآورنده آن است و با تحلیل و پرده‌برداری از متن می‌توان به مقاصد صاحبش دست یافت. قرآن کریم نیز متنی است که دستیابی به لایه‌های درونی و حقایق آن، نیازمند تلاش علمی روشمند است که در اصطلاح تفسیر نامیده می‌شود. از مباحث مهم و بنیادین در دانش تفسیر، معناشناسی است که در آن پیرامون کیفیت معنا و چگونگی دلالت نشانه‌ها سخن گفته می‌شود. بر این اساس، دانستن قواعد فهم متن - از جمله ریشه‌شناسی و بافت‌شناسی - که در دانش معناشناسی مطرح می‌شود، برای فهم قرآن امری ضروری است که در این پژوهش بدان خواهیم پرداخت.

## ۱-۵- پیشینه پژوهش

در خصوص مسأله معناشناسی الفاظ قرآن کریم و مجمع البیان، آثاری شکل گرفته که هر کدام به جنبه‌ای از این موضوع پرداخته‌اند.

۱. «طبرسی و منهجه فی التفسیر» از ناصر کاظم السراج که در سال ۲۰۰۰ میلادی در انتشارات دار المرتضی بیروت به چاپ رسیده است. در این کتاب روش تفسیری طبرسی را در بیان لغات قرآن بیان داشته است.

۲. «معناشناسی واژگان قرآن» نوشته صالح عظیمه، ترجمه حسین سیدی اشاره کرد. این کتاب واژگانی از قرآن را در آیات مختلف بررسی نموده، اما بر مباحث ریشه‌شناسی و بافت‌شناسی تأکیدی نداشته است.

## پایان نامه‌ها

۱. «منهج الدراسات اللغويه عند طبرسی فی مجمع البيان» احمد امام زاده، دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی فیروز حریر چی، سال ۱۳۷۳. این رساله دکتری در سه بخش تنظیم شده است. موضوعات سه بخش اصلی عبارتند از زندگی شیخ طبرسی، روش طبرسی در مباحث فقهی، قرائات، بلاغت، مباحث نحوی، لغت، احتجاج به شعر و روایت، الفاظی که در تفسیر آنها به شعر استشهاد جسته است.
۲. «شواهد شعری در لغت‌شناسی تفسیر مجمع البيان» ابوالحسن آقاجری، دانشگاه قم ۱۳۸۳ به راهنمایی جعفر نکونام. نویسنده در این پژوهش، تنها به بررسی شواهد شعری، به عنوان یکی از مبانی معنی‌شناسی لغات قرآن از دیدگاه طبرسی پرداخته است
۳. «بررسی تطبیقی نقش سیاق در تفسیر قرآن» حسین کنعانی، رساله دکتری، دانشگاه قم ۱۳۸۷.
۴. «لغات قرآن در تفسیر طبری» الهه مداح حسین‌آبادی، کارشناسی ارشد، دانشگاه قم به راهنمایی جعفر نکونام، سال ۱۳۸۵.
۵. «سیر تحول و تطور واژگانی چند در قرآن کریم» مهناز هادی نجف‌آبادی، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران به راهنمایی آذرتاش آذرنوش، سال ۱۳۷۷.
۶. «معنی‌شناسی عقل در قرآن کریم با تکیه بر نظریه‌های حوزه‌های معنایی» سعید کرمانی، کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع) به راهنمایی احمد پاکتچی، سال ۱۳۸۴.
۷. «شناخت واژه‌های تبلیغی در قرآن از سه دیدگاه ادبی، تفسیری و زبان‌شناسی» محمدرضا ملامحمد، کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع) به راهنمایی دکتر محمدهادی معرفت سال ۱۳۷۱.
۸. «معنا، بافت و شأن نزول در قرآن» خلیل قاضی‌زاده، کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد به راهنمایی نادر جهانگیری، سال ۱۳۷۴.

۹. «پژوهشی زبان‌شناختی درباره سبک و بافت قرآن کریم و ارزش‌های ادبی آن» سید جمال ساداتیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به راهنمایی فضل‌الله نیک‌آئین، سال ۱۳۷۱.

## مقالات

۱. «معناشناسی الفاظ حدیث» فتحیه فتاحی‌زاده، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه الزهرا (س)، شماره ۶۳، زمستان ۸۵ و بهار ۸۶.

۲. «بافت و مناسبات بینامتنی راهگشای تفسیر قرآن» ام.آ.اس عبدل حلیم، ترجمه ابوالفضل حری، نشریه زیباشناخت، شماره ۴.

۳. «درآمدی بر ساختار معنی‌شناسی قرآن» اعظم پرچم، مجله مشکوه، شماره ۸۷.

۴ «نقش بافت در فهم واژگان قرآن» سید حسین سیدی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱-۲.

۵. «معنی‌شناسی و کاربردشناسی حنیف در قرآن» محمد محمودپور، مجله مطالعات اسلامی، شماره ۶۵-۶۶.

پایان‌نامه‌ها و مقالات مذکور یا به معناشناسی واژه یا واژگانی از قرآن پرداخته‌اند و یا به تأثیر برخی مباحث معناشناسی در فهم قرآن توجه داشته‌اند. اما از یک سو، در هیچ کدام از آن‌ها به تفسیر خاصی تأکید نشده است و از سوی دیگر، دو رویکرد معنی‌شناسی یعنی ریشه‌شناسی و بافت‌شناسی در هیچ کدام از این آثار به صورت توأمان مورد بررسی قرار نگرفته است. بر این اساس، با توجه به پیشینه ذکر شده، موضوع مذکور بدون پیشینه مستقل می‌باشد

## ۱-۶- واژگان کلیدی

واژگان کلیدی و اساسی این پایان‌نامه که پیش رو داریم عبارتند از معنی‌شناسی، ریشه‌شناسی، بافت‌شناسی، مجمع‌البیان و طبری که سطوری را برای تعریف از این مفاهیم در نظر گرفتیم.

## ۱-۶-۱- معنی‌شناسی

معناشناسی مطالعه علمی معناست، همچنان که زبان‌شناسی مطالعه علمی زبان است و منظور از مطالعات علمی، توصیف پدیده‌های زبانی معنا در چارچوب یک نظام بدون هر پیش‌انگاری است.<sup>۱</sup>

«در دوران معاصر، گفتمان هرمنوتیک، به فلسفه زبان و به یکی از شاخه‌های معرفتی معناشناسی (semantics) انجامید و به سبب ارتباط آن با تفسیر متن، قرآن‌پژوهان نوگرا از آن استقبال کردند. زیرا در تفسیر قرآن کریم، اهتمام برکشف و پرده‌برداری از مقصود خدا در کلمات و دریافت معانی است، از این رو، هر دانشی که به گونه‌ای به این حوزه مربوط شود و در کشف دلالت الفاظ تلاش کند، بایستگی دارد.»<sup>۲</sup>

البته از دیرباز، فلاسفه، منطقیون و زبان‌شناسان به مطالعه «معنی» توجه داشته‌اند. به همین دلیل، در سنت مطالعه معنی می‌توان معنی‌شناسی را به سه شاخه عمده تقسیم نمود و سه گونه معنی‌شناسی را از یکدیگر متمایز ساخت.

**معنی‌شناسی فلسفی** بخشی از مطالعه فلسفه زبان را تشکیل می‌دهد. این گونه از معنی‌شناسی سابقه‌ای طولانی دارد و بر حسب منابع موجود، به قرن ۴ ق.م و آرای افلاطون در رساله‌های کراتیلوس و لاکس بازمی‌گردد.

**معنی‌شناسی منطقی** بخشی از منطق ریاضی است و بر حسب دیدگاه‌های بولزانو، فرگه، تارسکی و گودل، زبان را ابزاری برای صحبت درباره جهان خارج از زبان در نظر می‌گیرد. در این نوع از معنی‌شناسی سعی بر آن است تا با توجه به موقعیت جهان خارج، صحت و سقم جملات زبان تعیین شود. از آنجا که در این نوع از معنی‌شناسی، به جهان خارج از زبان ارجاع داده می‌شود، این روش مطالعه، معنی را مبتنی بر رهیافتی ارجاعی می‌دانند.

---

۱. صفوی، کورش؛ *درآمدی بر معناشناسی*، چاپ سوم، شرکت انتشارات سوره مهر، تهران ۱۳۸۷، ص ۲۷.  
۲. ایازی، محمدعلی؛ «معناشناسی و رابطه آن با دانش تفسیر قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهراء، سال اول، شماره دوم، ۱۳۸۳، ص ۴۶.

معنی‌شناسی زبانی بخشی از دانش زبان‌شناسی به شمار می‌رود و از اصطلاح (semantique) فرانسه نشأت می‌گیرد که برای نخستین بار از سوی «برآل» معرفی شد. در معنی‌شناسی زبانی، توجه معطوف به خود زبان است و معنی‌شناسی با مطالعه معنا، به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنی از طریق زبان است.<sup>۱</sup>

مطالعه علمی معنی زبانی، بر حسب نگرش همزمانی و در زمانی (تاریخی) قابل تفکیک است. در میان زبان‌شناسان، اصطلاح «معنی‌شناسی» برای اشاره به معنی‌شناسی زبانی نظری همزمانی استفاده می‌شود، یعنی مطالعه علمی و نظری معنی زبانی در یک مقطع از زمان، بدون مقایسه آن با مقطع زمانی دیگر و توجه به تحول زبان.

## ۱-۶-۲- معنی‌شناسی همزمانی و معنی‌شناسی در زمانی

بر اساس دو رویکرد همزمانی و در زمانی می‌توان دو نوع مطالعه معنی را از یکدیگر متمایز ساخت.

### ۱-۶-۲-۱- معنی‌شناسی در زمانی (معنی‌شناسی تاریخی)

تغییر معنی واحدهای نظام زبان را در طول زمان مطالعه می‌کنیم. به عبارتی، مطالعه در زمانی حوزه‌های معنایی این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان به نوعی معنی‌شناسی تاریخی (historical semantics) دست یافت و مفهوم یک واژه را در طول زمان مورد بررسی قرار داد. برای نمونه، در یک مقطع زمانی، مفهوم دو واژه «داور» و «قاضی» معادل یکدیگر بوده است و به تدریج حوزه کاربرد واژه «داور» محدودتر شده و به فردی اطلاق گردیده است که به قضاوت بازی مسابقه می‌پردازد. در چنین شرایطی واژه «داور» از تخصیص معنایی (semantic narrowing) برخوردار شده است. عکس این تغییر معنایی نیز ممکن است در طول زمان اتفاق بیفتد، یعنی با مرور زمان، واژه‌ای با حفظ معنای قبلی‌اش، در معنایی دیگر نیز به کار رود. این تغییر معنی را توسعه معنایی (semantic widening) نامیدند.

---

۱. صفوی، درآمدی بر معناشناسی، ص ۲۸.

مانند واژه‌ای نظیر «لیبرال» امروزه دیگر به معنای «آزادخواه» به کار نمی‌رود، بلکه تنزل معنایی (semantic degeneration) یافته و در مفهوم وابسته به غرب استفاده می‌شود که بار عاطفی‌اش منفی است. از سوی دیگر، واژه «سید» به معنی آقا، در زبان فارسی بار عاطفی مثبت یافته و با تغییر معنی، به فرزند خانواده پیامبر اسلام (ص) ترفیع معنایی (semantic elevation) داشته است و...<sup>۱</sup>

پس تغییرات معنایی چون تخصیص معنایی، توسعه معنایی، تنزل معنایی و ترفیع معنایی در این حوزه تعریف می‌شود.

### ۱-۶-۲-۲- معنی‌شناسی همزمانی

از طرف دیگر، ما می‌توانیم معنی واحدهای نظام زبان را در یک مقطع زمانی بررسی کنیم. در چنین شرایطی، به تغییر معنی در طول زمان توجه نمی‌کنیم. این شیوه مطالعه معنی را معنی‌شناسی همزمانی می‌نامند.<sup>۲</sup> می‌توان برای رویکرد همزمانی، دو روش متمایز قائل شد. یکی معنی‌شناسی ساختگرا و دیگر معنی‌شناسی بر اساس بافت زبانی.

#### ۱-۶-۲-۱- معنی‌شناسی ساختگرا

معنی‌شناسی ساختگرا در چارچوب روابط معنایی همانند شمول معنایی، هم‌معنایی، تقابل معنایی، تباین معنایی و... به مطالعه و توصیف معنا می‌پردازد.

#### ۱-۶-۲-۲- معنی‌شناسی بر اساس بافت زبانی

معنی یک واژه در چارچوب بافتی که در آن به وقوع پیوسته است، به طور کامل توصیف خواهد شد.<sup>۳</sup> و یا اینکه در این نوع معنی‌شناسی، معنای یک واژه در چارچوب روابط هم‌نشینی و جانشینی مشخص خواهد شد.

زیرا روابط هم‌نشینی و جانشینی اصول ساخت درونی زبان را مشخص می‌کنند.<sup>۱</sup>

---

۱. صفوی، درآمدی بر معناشناسی، ص ۱۹۵.

۲. همو؛ آشنایی با معنی‌شناسی، نشر پژواک کیوان، تهران ۱۳۸۵، ص ۱۸.

۳. پالمر، فرانک؛ نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کورش صفوی، چاپ چهارم، نشر مرکز، تهران ۱۳۸۵، ص ۱۵۷.

## ۱-۶-۳- ریشه‌شناسی

عارف به اشتقاق و اجزاء و ترکیب کننده واژه و لغت. آنکه ریشه لغات یعنی اصل آنها را می‌داند، ریشه‌شناس گویند. با این وصف، ریشه‌شناسی صفت کسی است که ریشه لغات، یعنی اصل و ماده آنها را می‌داند.<sup>۲</sup>

## ۱-۶-۴- بافت‌شناسی

بافت محیطی است که پیرامون یک جمله قرار دارد. اگر این بافت، جمله‌هایی باشند که که قبل یا بعد از جمله مورد نظر ما آمده‌اند، این بافت را بافت درون‌زبانی (Cotext) می‌نامیم. اما بافت دیگری نیز وجود دارد که بافت برون‌متنی (Context) یا بافت موقعیتی (Context of situation) نامیده می‌شود. این بافت تمامی اشیاء و اعمالی را در برمی‌گیرد که پیرامون گوینده و شنونده قرار دارند. به کمک بافت درون‌زبانی و بافت برون‌زبانی می‌توان به تعبیر معنی رسید.<sup>۳</sup>

پس مراد ما از بافت‌شناسی در این پژوهش، لحاظ لفظ در قالب ترکیبی است که در آن قرار گرفته است. که در مواردی معنای واژه تنها با در نظر گرفتن همنشینان لفظ (قرائن کلامی، مقالی) روشن می‌شود، اما در مواردی افزون بر آن، نیازمند توجه به قرائن حالی و مقامی نیز هستیم.

## ۱-۷- معرفی طبرسی و مجمع البیان

در معرفی طبرسی در نظر داریم به نام ونسب وی، استادان، هجرت، شاگردان، آثار علمی و نظر علمای اسلامی در مورد ایشان بپردازیم. و بعد از آن به معرفی مجمع البیان و سبک تفسیری ایشان اشاره کنیم.

---

۱. رهنما، هادی؛ معنی‌شناسی نام‌های معاد در قرآن، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۲، ص ۱۲. (البته در کتاب درآمدی بر معنی‌شناسی کورش صفوی، نویسنده این مبحث را در قالب روابط مفهومی در سطح واژه و روابط معنایی در سطح جمله، در فصل ۴ و ۵ بررسی کرده است.

۲. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه، مؤسسه و چاپ دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۵، ج ۸، ص ۱۱۰۰۱.

۳. صفوی، آشنایی با معنی‌شناسی، ص ۴۹.

## ۱-۷-۱- معرفی طبرسی

فضل بن حسن طبرسی که در کتب تاریخ و تراجم با نام «فضل» از او یاد شده، در بین سال‌های ۴۶۰-۴۷۰ ه. ق در طوس متولد شد. نام پدرش حسن، کنیه‌اش ابوعلی و ملقب به امین‌الاسلام و امین‌الدین و مشهور به طبرسی می‌باشد.<sup>۱</sup> طبرسی به فتح طاء و سکون باء، منسوب به طبرس بر وزن جعفر، معرب تفرش است که شهری آباد نزدیک «ساوه» است و در رد کسانی که او را منسوب به طبرستان می‌دانند، باید گفت وصف منتسب به «طبرستان» (مازندران) طبری است، نه طبرسی.<sup>۲</sup>

### ۱-۷-۱-۱- استادان

طبرسی پس از طی دوران کودکی، پا به کلاس درس نهاد و در محضر استادان، به کسب علم و فضیلت پرداخت. استعداد ذاتی و عشق و علاقه به تحصیل، عامل مهمی در رشد سریع و دست یافتن به مدارج علمی وی بود. در طول دوران تحصیل از محضر اساتید بزرگی کسب فیض نموده که نام چند نفر از آنها را در ذیل می‌آوریم:

۱. شیخ ابوعلی طوسی، پسر شیخ طوسی

۲. شیخ ابوالوفاء عبدالجبار رازی

۳. شیخ موفق‌الدین حسین بن واعظ بکرآبادی جرجانی

۴. سید محمد بن حسین حسینی قصبی جرجانی

۵. شیخ ابوالحسین عبید بن محمد حسین بیهقی

---

۱. دوانی، علی؛ *مفاخر اسلام*، چاپ دوم، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۸۱؛ مدرس تبریزی، محمدعلی؛ *ریحانه الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب*، کتابفروشی خیام، تبریز بی‌تا، ج ۴، ص ۳۶.  
۲. معرفت، محمدهادی؛ *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب*، چاپ اول، الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، مشهد ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۸۲. (لازم به ذکر است که برخی منابع همانند مفاخر اسلام و دایره المعارف تشیع، طبرسی را به کسر «راء» آورده‌اند. رک: دوانی، *مفاخر اسلام*، ج ۳، ص ۳۸۱؛ صدر، احمد؛ *بهاء الدین خرمشاهی*، کامران فانی، *دایره المعارف تشیع*، نشر شهید سعید محبتی، تهران ۱۳۸۳، ج ۱۰، ص ۴۷۵.

طبرسی دوران رشد علم و تحصیل علوم مختلف اسلامی را گذراند و پس از چندی، از نخبگان جامعه اسلامی حوزه‌های علمی کشورهای اسلامی عصر خود و خاصه طوس گردید.

### ۱-۷-۱-۲- هجرت به سبزوار

طبرسی پنجاه سال از عمر خود را در طوس گذراند و در سال ۵۲۳ هجری عده‌ای از دوستان و علاقه‌مندان طبرسی که در سبزوار زندگی می‌کردند، از وی تقاضا کردند که به سبزوار هجرت نموده و در آنجا رحل اقامت افکند و طالبان علم و فضیلت را از محضر پر فیض خود بهره‌مند سازد. وی دعوت آنان را پذیرفته و راهی سبزوار شد و قریب ۲۵ سال آخر عمر پربرکت خود را در این شهر گذراند و در طول این مدت که ارزنده‌ترین دوران زندگی او را تشکیل می‌دهد، به دو کار بسیار بزرگ و باارزش اشتغال داشت، نخست تشکیل حوزه تدریس و تعلیم و تربیت شاگردان گرانقدر و عالم بود که از این حوزه درسی طبرسی، مردانی با علم و تقوی و فضیلت برخاسته‌اند. خدمت ارزشمند دیگر او تألیفات ارزشمندی است که از خود به یادگار گذاشته است.<sup>۱</sup>

### ۱-۷-۱-۳- شاگردان طبرسی

طبرسی توفیق یافت شاگردان دانشمند و بلندآوازه‌ای نیز تربیت کند، شاگردانی که هر کدام از مفاخر علمای ما به شمار می‌روند. از میان انبوه شاگردانش، این چند تن را که از مشاهیر علما و فقها و دانشمندان سخن‌گستر می‌باشند، نام می‌بریم:

۱. فرزندش رضی‌الدین ابونصر حسن بن فضل.

۲. ابن شهر آشوب.

۳. ابوالحسین سعید بن هبه‌الله معروف به قطب راوندی.

۴. شیخ عبدالله بن جعفر درویستی.

---

۱. صدر، *دیره المعارف تشیع*، ج ۱۰، ص ۴۷۵؛ رزاقی، ابوالقاسم؛ گامی در جهت شناسایی علمای اسلام، انتشارات اوج، تهران ۱۳۶۳، ص ۱۷۶-۱۷۹.

۵. سید ضیاء‌الدین فضل‌الله راوندی.<sup>۱</sup>

## ۱-۷-۱-۴- آثار علمی طبرسی

خدمت ارزشمند دیگری که طبرسی در طول اقامتش در سبزوار انجام داد، تألیفات گرانبهایی است که از خود به یادگار گذاشت، که در بعضی از کتاب‌ها تا ۱۹ تألیف برای او ذکر نموده‌اند:

۱. اعلام الوری باعلام الهدی، که در فضائل ائمه و احوال ایشان است که در سال ۱۳۱۲ در ایران به

چاپ رسید.

۲. رساله حقایق الامور.

۳. العمده فی اصول الدین و الفرائض و النوافل که به فارسی نوشته شده است.

۴. نثر اللالی؛ طبرسی در این کتاب کلمات قصار علی (ع) را به ترتیب حروف تهجی فراهم آورده

است .

۵. الجواهر؛ در علم نحو است.

۶. الاختیار من المقتصد فی النحو.

۷. تاج الموالد، شاگردانش شیخ منتجب الدین و ابن شهر آشوب از آن نام برده‌اند و شاید درباره

تاریخ ولادت ائمه (ع) بوده است.

۸. النور المبین.

۹. غنیه العابد و منیه الزاهد.

طبرسی مهم‌ترین تألیفات خود را در تفسیر قرآن به رشته تحریر در آورده که بدین قرار است:

الف: تفسیر الکافی الشافی، که آن را پس از تألیف مجمع البیان نوشته، بنابراین اولین تألیف

تفسیری او کتاب مجمع البیان است که پس از تألیف مجمع البیان چون تفسیر کشف زمخشری که

---

۱. ر.ک: دوانی، *مفاخر اسلام*، ج ۳، ص ۳۸۵ و ۳۸۶؛ مدرس تبریزی، *ریحانه الأدب*، ج ۴، ص ۳۶؛ موسوی خوانساری، *محمّدباقر؛ روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السّادات*، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، مکتبه اسماعیلیان، قم ۱۳۹۲، ج ۵، ۳۵۷ و ۳۵۸.

در همان اوان تألیف یافته بود، مطالعه کرد و در الفاظ و معانی آن محاسنی که در مجمع البیان وی فاقد بود یافت، دریافت این معنی عامل و انگیزه آن گردید که تفسیر دیگری که محاسن و ویژگی‌های هر دو تفسیر (مجمع و کشاف) را دربرداشته باشد، تألیف نماید و از این جهت بود که تفسیر «الکافی الشافی» را تألیف نمود.

ب: تفسیر «جوامع الجامع» است که آن را به درخواست فرزندش، در جمع میان دو تفسیر مجمع البیان و الکافی الشافی، با توجه به کشاف زمخشری در هفتاد سالگی، به سال ( ۵۴۲ه.ق) تألیف کرد.  
ج: تفسیر مجمع البیان، مهم‌ترین و مشهورترین تألیفات طبرسی است.<sup>۱</sup>

### ۱-۷-۱-۵- طبرسی از نگاه علمای بزرگ اسلامی

موضوع دیگری که ما را تا اندازه‌ای با شخصیت والای طبرسی آشنا می‌سازد، اظهارنظر علمای بزرگ اسلامی در مورد اوست که به بعضی از آنها توجه می‌کنیم:

۱. ابوالحسن علی بن زید بیهقی صاحب تاریخ معروف بیهقی می‌گوید: طبرسی امام در نحو و فرید عصر بود... و در علوم دیگر به درجه افدات رسید.

۲. قاضی نورالله شوشتری می‌نویسد: «عمده‌المفسرین، امین‌الدین، ثقه‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، از نحاریر علماء تفسیر است.»<sup>۲</sup>

۳. علامه مجلسی در جلد اول کتاب بحار الانوار، پس از ذکر کتبی چند از تالیفات طبرسی گفته است: همه اینها از شیخ امین‌الدین طبرسی است که همه بر جلالت و فضل و ثقه بودنش اعتراف دارند...<sup>۳</sup>

---

۱. دوانی، مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۳۸۷ و ۳۸۸؛ صدر، دایره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۷۷؛ رزاقی، گامی در جهت شناسایی علمای اسلام، ص ۱۸۰؛ مدرس تبریزی، ریحانه الأدب، ج ۴، ص ۳۸-۴۰؛ موسوی خوانساری، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، ج ۵، ص ۳۵۸.

۲. دوانی، مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۳۸۷ و ۳۸۸؛ صدر، دایره المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۷۷.

۳. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹.

۴. مدرس تبریزی او را فاضل، فقیه، کامل، محدث، جلیل و مفسر خوانده و می‌نویسد: طبرسی از اعیان و اعظم علمای امامیه قرن ششم هجری که فضل و جلالت و وثاقت و عدالت وی مسلم و از اکابر مفسرین بنام و ثقات محدثین عالی مقام می‌باشد.<sup>۱</sup>

۵. شیخ عباس قمی می‌نویسد: فخر علماء اعلام، امین ملت اسلام، ابوعلی... طبرسی شخصیتی است که دوست و دشمن اعتراف به فضل او دارد، فقیه بزرگوار و مورد اعتماد و ارزشمند، عالم کامل، مفسر عظیم‌الشأن، صاحب کتاب مجمع البیان که در مورد آن شیخ شهید رحمه‌الله فرموده کتابی است که مانند آن در تفسیر تألیف نشده...<sup>۲</sup>

۶. محمدحسین ذهبی در التفسیر و المفسرون می‌نویسد: «مؤلف تفسیر مجمع البیان عالم، مفسر، فقیه، جلیل، ثقه، کامل، نبیل و از خانواده‌ای است که اهلش با علم شناخته شده‌اند.»<sup>۳</sup> سپس بیان می‌کند: «طبرسی در تمام مباحثی که در مجمع البیان وارد شده، به زیبایی و نکوئی سخن رانده، آن گاه که از قرائت و چگونگی آن‌ها بحث کرده است. هنگامی که از مبحث اعراب و مباحث آن سخن گفته یا هنگامی که از فقه و اقوال فقها سخن به میان آورده است و به دفاع از مذهب خویش پرداخته است و رأی خویش را آشکار ساخته است، مؤلف آن اقوال را برمی‌گزیند و از انصافی شایسته برخوردار است و در مرام خود غلو و افراط نمی‌کند.»<sup>۴</sup>

## ۱-۷-۱-۶- رحلت طبرسی

طبرسی پس از عمری خدمت ارزنده به فرهنگ اسلام و باقی گذاشتن آثار سودمند، در ذی الحجه سال ۵۴۸ ه. ق چشم از جهان فرو بست. بعضی از مورخان اظهار داشته‌اند که طبرسی به دست بعضی از حکام جور زمان خود به شهادت رسیده است. محدث نوری گفته: احتمال دارد وی را به زهر شهید

---

۱. مدرس تبریزی، ریحانه الأدب، ج ۴، ص ۳۶.

۲. ر.ک: دوانی، مفاخر اسلام، ج ۳، ص ۳۹۱-۳۹۴.

۳. ذهبی، محمدحسین؛ التفسیر والمفسرون، انتشارات مکتبه وهبه، قاهره ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۱۱.

کرده باشد. در هر حال رحلت یا شهادت وی در سبزوار واقع شده و جنازه‌اش به مشهد مقدس انتقال یافت و در آنجا به خاک سپرده شد. مزارش اکنون در دویست و پنجاه متری شمال شرقی حرم مطهر، در کنار خیابان طبرسی، در فلکه شمالی، در بقعه‌ای زیارتگاه مؤمنان و شیفتگان مذهب جعفری است.<sup>۱</sup>

## ۱-۷-۲- معرفی مجمع‌البیان

مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (مجمع‌البیان فی علوم‌القرآن) یکی از مهم‌ترین و ارجمندترین تفاسیر جهان است که دانشمندان شیعه و سنی آن را مورد توجه قرار داده‌اند و از آن به عنوان یکی از منابع تفسیر یاد کرده‌اند و آن را از جمله تفاسیر قدیم دانسته‌اند که به نیکوترین صورت و با الگویی مناسب و ضمن سرعنوان‌های مکرر و ثابت تنظیم شده است. شیخ شلتوت، مفتی اهل سنت، یکی از کسانی است که بر این تفسیر مقدمه نگاشته و به گستردگی و ژرفایی و تنوع در مطالب و تقسیم و تبویب بی‌همتای آن اذعان کرده است. اهمیت مجمع به خاطر جامعیت و اتقان و استحکام مطالب و ترتیب دقیق و تفسیر روشن و سودمند و انصاف در نقد و بررسی است.

مجمع‌البیان شامل مباحثی چون قرائت، اعراب، لغات، بیان مشکلات، ذکر موارد معانی و بیان شأن نزول آیات، اخبار وارده در آیات و شرح و تبیین قصص و حکایات است. این تفسیر بسیار متأثر از تبیان طوسی است، با این تفاوت که طبرسی با تقسیم‌بندی مباحث، زمینه استفاده بهتر و گزینش آسان‌تر استفاده‌کننده را فراهم ساخته است. کسانی که به هر قسمت از تفسیر علاقه‌مند باشند، می‌توانند به راحتی به همان قسمت از ادبیات، قرائت و تفسیر مراجعه کنند. مجمع‌البیان به بحث‌های موضوعی نمی‌پردازد، نظریات مفسران عامه را نقل و با روش عالمانه نقد می‌کند.

---

۱. رزاقی، گامی در جهت شناسایی علمای اسلام، ص ۱۹۱.

از نکات قابل توجه مجمع، مباحث تناسب آیات این تفسیر است که در ذیل «النظم» پیوند نامعلوم و یا دیریاب آیات را با یکدیگر توضیح می‌دهد و از این جهت، می‌توان گفت او از نادر مفسران شیعی است که به علم مناسبات توجه کرده است.

مجمع دارای چاپ‌های فراوان و انبوه تحقیقات و پانوشتها است. آخرین چاپ این تفسیر در ۳۰ جلد، توسط جمعی از علماء چون آقایان حسین نوری، محمد مفتح، محمد رازی، احمد بهشتی و ضیاءالدین نجفی و در مؤسسه انتشارت فراهانی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۷-۱- سبک تفسیری طبرسی

طبرسی در روش تفسیری خود، نخست مکی و یا مدنی بودن تمام سوره را بیان می‌کند و همچنین اگر در ضمن سوره‌ای که مثلاً مکی است، چند آیه مدنی وجود داشته باشد و یا برعکس مشخص می‌کند و آنگاه تحت عنوان «اسماؤها» نام و یا نام‌های سوره مورد بحث را بیان کرده و دلائل و مفاهیم آن اسما را ذکر می‌کند و آنگاه به فضیلت و ثواب قرائت اشاره می‌کند، بعد لغات مشکل آن دسته از آیات مورد تفسیر را تحت عنوان «اللغه» ریشه‌یابی می‌کند و با دقت نظر خاصی که در کمتر تفسیری به چشم می‌خورد، هر لغتی را با جمیع اشتقاقاتش می‌شکافد و معانی مختلف آن را بیان می‌کند.

با تشریح این موضوعات، به تفسیر آن آیات تحت عنوان «المعنی» می‌پردازد و در هر باب اقوال را بدون آنکه مورد ردّ و اعتراض قرار دهد، نقل می‌کند و اختیار و ترجیح یک قول را به عهده فکر و ذهن خواننده قرار می‌دهد تا در او اگر ملکه تشخیص و اختیار نیست، پدید آید و در بعضی موارد هم کلمات آیات را تحت عنوان «الاعراب» از نقطه نظر ادبی و تجزیه و ترکیب مورد بحث قرار می‌دهد و جهات مختلف آن را از این نظر نیز مشخص می‌سازد.<sup>۲</sup>

---

۱. ایازی، محمدعلی؛ سیر تطور تفاسیر شیعه، چاپ سوم، انتشارات کتاب مبین، رشت ۱۳۸۱، ص ۶۶ و ۶۷؛ همو؛ شناخت‌نامه تفاسیر، کتاب مبین، رشت ۱۳۷۸، ص ۲۹۳.  
۲. رزاقی، گامی در جهت شناسایی علمای اسلام، ص ۱۷۶ و ۱۹۱.

طبرسی در مورد تفسیرش می‌گوید: «به تألیف کتابی آغاز کردم که در نهایت اختصار و تهذیب و نظم و ترتیب بوده و در عین حال انواع علوم و فنون قرآنی در آن جمع شده باشد و شامل همه دانستنی‌های مربوط به علم قرائت، اعراب، لغت، مسائل غامض و مشکل، مفاهیم و معانی و وجوه مختلف آن‌ها، علل نزول، اخبار و قصص و روایات، حدود و احکام، حلال و حرام و نیز سخن از شبهات مخالفان و استدلال‌های ویژه علمای امامیه باشد و در بحث از جای جای قرآن، بر صحت مبانی اصول و فروع مذهب تمسک جسته و دلایل عقلی و نقلی را بر شیوه اعتدال و اختصار بیان نموده باشد؛ اندکی فراتر از ایجاز و فروتر از اطناب و زیاده‌گویی، زیرا اذهان مردم در این روزگار، تحمل بار فراوان علوم مختلف را ندارد و از ورود به میادین پرمخاطره احساس ضعف می‌نمایند؛ چراکه از علماء جز نامی و از علوم جز اندکی باقی نمانده است؛ مانند باقیمانده روح در جسم حیوانی ذبح شده.»<sup>۱</sup>

---

۱. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۷۶ و ۷۷، مقدمه مؤلف؛ معرفت، التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۳۸۳.

## **فصل دوم**

### **مبانی معناشناسی الفاظ در تفسیر مجمع البیان**